

Strategic Exploitation of the Makran Coastal Region's Capacities for Reinforcing the Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran

Ali Amiri¹ 

Associate Professor of Political Geography, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Received: 14 May 2026

Revised: 25 July 2026

Accepted: 29 July 2026

Abstract

The Makran coast in southeastern Iran, long regarded as a remote periphery, has emerged as a focal point for the strategic utilization of coastal capacities amid recent geopolitical transformations and the advent of new transit and energy corridors. Accordingly, this article examines the strategic exploitation of these capacities to strengthen the strategic depth of the Islamic Republic of Iran. The study draws on library-based data and employs a descriptive–analytical approach to data analysis. The findings indicate that the strategic utilization of the Makran coastal region's capacities across three dimensions—geopolitical, geoeconomic, and military- security- can contribute to strengthening Iran's strategic depth. From a geopolitical perspective, enhancing Makran's role in maritime and regional relations, strengthening Iran's access to open waters, and expanding regional interactions can enhance the country's strategic maneuverability and influence. From a geoeconomic perspective, the development of port, logistics, and corridor infrastructure, the expansion of the maritime economy and associated value chains, and the diversification of energy infrastructure can consolidate Iran's position within regional and international economic and transit networks while fostering economic interdependencies and enhancing the country's strategic resilience. From a military and security perspective, the establishment of a more balanced strategic

1. Corresponding Author. Email: amiri.ali@lu.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Amiri, A. (2026). Strategic Exploitation of the Makran Coastal Region's Capacities for Reinforcing the Strategic Depth of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Geography and Regional Development*, 24(1), 311-352. <https://doi.org/10.22067/jgrd.2026.98708.1651>

posture in response to threats and the enhanced maritime presence can serve as a form of “strategic coverage,” significantly expanding Iran’s capacity for maneuver and resilience in the face of external threats. Overall, Iran’s strategic depth in the context of Makran is shaped by the synergy among geopolitical, geoeconomic, and military-security capacities. Through the strategic leveraging of these capacities, Makran can contribute to expanding Iran’s geopolitical space of action, enhancing its geoeconomic power and resilience, and extending part of the country’s defense and deterrence capacity into more distant maritime environments. In this way, the strategic utilization of Makran’s coastal capacities has the potential to contribute significantly to the development and strengthening of Iran’s strategic depth.

Keywords: Makran Coast, Strategic Depth, Chabahar Port, International North–South Transport Corridor.

تحلیل بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران در تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران

علی امیری  (دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران)

amiri.ali@lu.ac.ir

چکیده

سواحل مکران، در جنوب شرق ایران که از دیرباز به‌عنوان یک پیرامون دورافتاده قلمداد می‌شد، با تحولات جدید ژئوپلیتیک و ظهور کریدورهای جدید ترانزیتی و انرژی، به کانونی برای بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ساحلی در راستای تقویت عمق استراتژیک ایران تبدیل شده است. لذا، این مقاله به تحلیل بهره‌گیری راهبردی از این ظرفیت‌ها در تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. در این تحقیق، داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به روش توصیفی-تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران در سه بعد ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و نظامی-امنیتی، می‌تواند به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران منجر شود. در بعد ژئوپلیتیکی، توسعه نقش مکران در پیوندهای دریایی و منطقه‌ای، تقویت دسترسی ایران به آب‌های آزاد و گسترش تعاملات منطقه‌ای، به افزایش قدرت مانور و اثرگذاری راهبردی کشور کمک می‌کند. در بعد ژئواکونومیک، توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیکی و کریدوری، گسترش اقتصاد دریامحور و زنجیره‌های ارزش وابسته و تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های انرژی، ضمن تقویت جایگاه ایران در شبکه‌های اقتصادی و ترانزیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، به ایجاد پیوندهای اقتصادی و افزایش تاب‌آوری راهبردی کشور منجر می‌شود. در بعد نظامی و امنیتی، ایجاد توازن استراتژیک در برابر تهدیدات و ارتقای حضور دریایی، به‌مثابه یک «پوشش استراتژیک» عمل کرده و ظرفیت مانور و مقاومت ایران را در برابر تهدیدات خارجی به‌طور چشم‌گیری افزایش می‌دهد. در مجموع، عمق استراتژیک ایران در بستر مکران

نشریه جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال بیست و چهارم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۵۴، صص ۳۵۲-۳۱۱

تاریخ تصویب: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۳

حاصل هم‌افزایی میان ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی - امنیتی است و بدین گونه در صورت بهره‌گیری راهبردی از این ظرفیت‌ها، مکران می‌تواند با گسترش فضای کنش ژئوپلیتیکی، افزایش قدرت و تاب‌آوری ژئواکونومیک و انتقال بخشی از ظرفیت دفاع و بازدارندگی ایران به محیط دریایی دورتر، به توسعه و تقویت عمق استراتژیک ایران کمک کند.

واژگان کلیدی: سواحل مکران، عمق استراتژیک، بندر چابهار، کریدور شمال - جنوب.

۱. مقدمه

به‌طور کلی، مفهوم «عمق استراتژیک»^۱ در ادبیات روابط بین‌الملل و علوم استراتژیک، به توانایی یک کشور برای دفع تهدیدات از طریق بهره‌گیری از فاصله جغرافیایی، منابع و متحدان در پشت مرزهای خود اشاره دارد.

عمق استراتژیک همیشه یک عامل حیاتی در جنگ بوده است. از نظر تاریخی، این اصطلاح بیشتر در مورد جغرافیا به کار می‌رفت و این ایده را دربر می‌گرفت که هرچه دشمن شما مجبور باشد مسافت بیشتری را برای رسیدن به مرکز حکومت یا منابع حیاتی شما طی کند - چیزی که کلاوزویتس^۲ اغلب از آن به‌عنوان «مرکز ثقل»^۳ یک کشور یاد می‌کرد - شما زمان و فضای بیشتری برای سازگاری، بازیابی و حمله متقابل داشتید. ... عمق استراتژیک، چه به‌صورت طبیعی و چه به‌صورت پیشگیرانه، به دولت و شهروندان زمان بیشتری برای تصمیم‌گیری و انعطاف‌پذیری عملیاتی بیشتری برای سازماندهی واکنش‌ها، محافظت از مراکز قدرت و اتخاذ اقداماتی برای تضمین بقای ملی در صورت تجاوز خارجی می‌دهد (شدلو^۴، ۲۰۲۵). عمق استراتژیک، به‌عنوان یک مفهوم چنبدبندی، نقش محوری در تدوین و اجرای سیاست خارجی کشورها ایفا می‌کند. این مفهوم، که

-
1. Strategic Depth
 2. Clausewitz
 3. centre of gravity
 4. schadlow

درب‌گیرنده ابعاد جغرافیایی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است، به دولت‌ها امکان می‌دهد تا با تحلیل محیط بین‌المللی و شناسایی تهدیدات و فرصت‌ها، راهبردهای مناسبی را برای حفظ و ارتقای منافع ملی خود اتخاذ کنند (دهقانیان و دیگران، ۱۴۰۴، ص. ۷۴).

کشور پهناور ایران، با موقعیت منحصربه‌فرد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در شمال غربی اقیانوس هند، در جدار نازک ریملند در تلاقی اقیانوس هند و ابرقاره اوراسیا و پل ارتباطی و میانه تمدن شرق و غرب با ۲۷۰۰ کیلومتر دسترسی به آب‌های آزاد و مشرف بر تنگه هرمز و به‌ویژه در اختیار داشتن حدود ۶۰۰ کیلومتر از سواحل اقیانوسی در مکران تاکنون نتوانسته است از ظرفیت‌ها و فرصت‌های عظیم ساحلی و دریایی خویش استفاده کند. اگرچه شواهدی از تمرکز و توجه ایرانیان در دوره باستان به دریاها وجود دارد و در سده‌های نخستین اسلامی نیز بازرگانان ایرانی در مسیر جاده ابریشم باعث رونق بندر سیرا و ریشهر شده بودند، اما به‌طور کلی، تمدن ایران براساس ارزش‌های خشکی‌پایه و تمرکز حکومت و دولت‌های ایران براساس راهبرد توسعه تمدنی در درون فلات مرکزی ایران بوده است و ظرفیت‌های ساحلی و دریایی ایران و به‌ویژه در جنوب شرق ایران در سواحل مکران مغفول واقع شده است (ویسی، ۱۴۰۲، ص. ۵۳).

تسلط منطقه مکران بر یکی از مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین راه‌های آبی جهان، از یک سو به‌عنوان یک مسیر ترانزیتی و اقتصادی برای کشورهای چین، هند، افغانستان و منطقه آسیای مرکزی دارای ظرفیت‌های فراوان در زمینه صنایع شیلاتی، گردشگری و دریایی است و از سویی به لحاظ جغرافیایی، دارای یک موقعیت ژئوپلیتیک مهم است که می‌تواند موجب مزیت‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه سواحل مکران؛ دالان ورود اقیانوس هند به خلیج فارس، این امکان را دارد که با بهره‌گیری از پتانسیل دریای عمان، موقعیت ژئوپلیتیکی و زیست‌بوم ویژه منطقه، موتور محرکه توسعه سرمایه‌داری در نیمه جنوب شرقی کشور شود، از این‌رو توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد این سواحل و سیاست‌گذاری مدون در جهت گسترش زیرساخت‌های گمرکی- بندرگاهی، حمل‌ونقل ترانزیتی و ارتباطی (جاده‌ای، ریلی،

دریایی، هوایی)، همچنین ایجاد بسترهای مالی و بانکی مشوق و مناسب و اطلاق ثبات نظامی و امنیتی به سواحل و همچنین استفاده از توان دریایی و همجواری بر آب‌های اقیانوسی، می‌تواند نقطه عطفی در مسیر دستیابی جمهوری اسلامی ایران به بازدارندگی و هژمون با منطقه باشد. از سوی دیگر، جنوب شرق جمهوری اسلامی ایران به لحاظ جایگاه نظامی می‌تواند در اتخاذ استراتژی دریایی، نقش ویژه‌ای برای جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید. جمهوری اسلامی ایران از طریق این عرصه آبی می‌تواند به یک قدرت دریایی با حوزه عملکرد میان اقیانوسی تبدیل شود و از خلیج فارس خود را بیرون بکشد (لکزی و اطهری، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۴).

براین اساس، آنچه می‌تواند ناحیه ساحلی مکران را از یک فضای پیرامونی به یک کانون ژئوپلیتیکی راهبردی تبدیل کند، صرفاً ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی آن نیست، بلکه نحوه بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و امنیتی این ناحیه در قالب سیاست‌گذاری، حکمرانی و برنامه‌ریزی ملی است. درواقع، ظرفیت‌های طبیعی مکران زمانی به مؤلفه‌ای برای تقویت قدرت ملی تبدیل می‌شوند که در چارچوب یک راهبرد منسجم توسعه دریامحور و امنیت‌محور فعال شوند. از این منظر، عمق استراتژیک نه محصول صرف موقعیت جغرافیایی، بلکه حاصل تبدیل ظرفیت‌های بالقوه ساحلی به مزیت‌های بالفعل ژئوپلیتیکی، اقتصادی و دفاعی است. باوجود پژوهش‌های متعدد درباره توسعه سواحل مکران، اقتصاد دریامحور، قدرت دریایی و امنیت منطقه‌ای، تاکنون پژوهشی که به صورت یکپارچه سازوکار بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های این ناحیه را در تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران تبیین کند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر همین اساس، مسئله اصلی این پژوهش آن است که بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران از طریق چه سازوکارهایی می‌تواند به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران منجر شود؟ همچنین پژوهش حاضر تلاش می‌کند با ارائه یک مدل تحلیلی، نحوه تعامل ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و امنیتی مکران در تقویت عمق استراتژیک کشور را تبیین کند.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام‌شده درباره سواحل مکران و نقش آن در راهبردهای ملی ایران را می‌توان در چهار دسته کلی شامل مطالعات قدرت و راهبرد دریایی، مطالعات ژئواکونومیک و اقتصاد دریامحور، مطالعات توسعه و حکمرانی سواحل مکران و مطالعات امنیتی دریایی و ژئوپلیتیک بنادر طبقه‌بندی کرد.

جدول ۱. خلاصه پیشینه پژوهش

دسته‌بندی مطالعاتی	پژوهشگر/سال	موضوع و محور مطالعه	مهم‌ترین نتیجه
قدرت و راهبرد دریایی	امیری، ۱۳۹۹	نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران	توسعه هم‌زمان نیروی دریایی راهبردی و تاکتیکی، زمینه شکل‌گیری «قدرت دریایی هوشمند» را فراهم می‌کند؛ به‌گونه‌ای که نیروی دریایی راهبردی با ایفای نقش در آب‌های دوردست و نیروی دریایی تاکتیکی با تمرکز بر محیط پیرامونی، دو رکن مکمل قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند.
	باقری دولت آبادی و کامروا ^۱ ، ۲۰۲۲	استراتژی دریایی در حال تغییر ایران در خلیج فارس: انگیزه‌ها و ویژگی‌ها	راهبرد دریایی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ ایران و عراق از رویکردی عمدتاً دفاعی به سمت رویکردی فعال‌تر حرکت کرده است. توسعه قابلیت‌های موشکی و پهپادی، افزایش حضور دریایی و ارتقای توان بازدارندگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های این تحول راهبردی محسوب می‌شوند.
	آوان و همکاران ^۲ ، ۲۰۲۵	استراتژی دریایی ایران در تنگه هرمز: پیامدهایی برای	ایران با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی، نوآوری‌های فناورانه و شیوه‌های جنگ هیبریدی، درصدد اعمال قدرت و ایجاد بازدارندگی دریایی است. این تحول، علاوه بر بازتعریف پویایی‌های امنیت منطقه‌ای، بر امنیت انرژی،

1. Bagheri dolatabadi & kamrava

2. Awan et al.

دسته بندی مطالعاتی	پژوهشگر/سال	موضوع و محور مطالعه	مهم ترین نتیجه
		امنیت دریایی جهانی	آزادی ناوبری و معادلات دریایی در سطح جهانی نیز اثرگذار است.
	جعفری و همکاران ^۱ ، ۲۰۲۴	تبیین و تحلیل الگوی راهبردی و پیامدهای حضور نیروی دریایی راهبردی ایران در سواحل مکران و دریای آزاد	تحول نیروی دریایی ایران از یک نیروی صرفاً دفاعی به نیرویی راهبردی، زمینه افزایش حضور دریایی کشور در آب های آزاد، گسترش تعاملات با کشورهای فرامنطقه‌ای و ارتقای نقش ایران در محیط دریایی بین‌المللی را فراهم کرده است. این پژوهش همچنین مؤلفه‌های مؤثر بر حضور راهبردی نیروی دریایی ایران در سواحل مکران و آب‌های آزاد را شناسایی می‌کند.
ژئواکونومی و اقتصاد دریامحور	قنبری ^۲ ، ۲۰۲۳	اقتصاد آبی ایران: سیاست دریایی در دیپلماسی جهانی	توسعه ظرفیت‌های دریایی و پیوند آن با دیپلماسی می‌تواند ضمن تقویت اقتصاد آبی، جایگاه ژئوپلیتیکی و نفوذ منطقه‌ای ایران را ارتقا داده و ظرفیت‌های دریایی را به بخشی از قدرت ملی و سیاست خارجی کشور تبدیل کند.
	ویسی ^۳ ، ۲۰۲۶	استراتژی ژئواکونومیک و سیاست دریایی در ارتقای قدرت و توسعه ایران: تأکید بر کریدورهای منطقه‌ای	تداوم قدرت ملی ایران مستلزم گذار از رویکرد خشکی‌محور به راهبرد ژئواکونومیک دریامحور است. توسعه سواحل مکران، بندر چابهار و پیوند با کریدورهای منطقه‌ای می‌تواند به افزایش پیوندپذیری، توسعه اقتصادی و ارتقای قدرت و امنیت ملی ایران کمک کند.

1. Jafari et al
2. Ghanbari
3. Veisi

دسته‌بندی مطالعاتی	پژوهشگر/سال	موضوع و محور مطالعه	مهم‌ترین نتیجه
	متقی و همکاران، ۱۴۰۳	ژئوپلیتیک حمل‌ونقل دریایی و توسعه اقتصاد سیاسی ایران با تأکید بر مکران	توسعه زیرساخت‌های بندری، تقویت حمل‌ونقل دریایی و فعال‌سازی کریدورهای بین‌المللی، ظرفیت ارتقای هم‌زمان قدرت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی ایران را فراهم می‌کند. توسعه بنادر مکران همچنین می‌تواند نقش ایران را در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب تقویت کرده و زمینه همگرایی اقتصادی با کشورهای منطقه را افزایش دهد.
	سرگزی و سردار شهرکی، ۱۴۰۴	بررسی موقعیت استراتژیک و اقتصادی سواحل مکران در جهت توسعه پایدار	موقعیت ژئوپلیتیکی چابهار، دسترسی به آب‌های آزاد، همجواری با افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی و اتصال به شبکه‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای، ظرفیت مهمی برای توسعه پایدار، گسترش مبادلات منطقه‌ای و بین‌المللی و ارتقای جایگاه اقتصادی جنوب شرق ایران ایجاد می‌کند.
توسعه و حکمرانی سواحل مکران	ویسی، ۱۴۰۴	ضرورت راهبرد ژئواکونومیک در توسعه سواحل مکران	مسئله اصلی مکران کمبود ظرفیت‌های جغرافیایی نیست، بلکه فقدان یک راهبرد ژئواکونومیک و حکمرانی مؤثر برای فعال‌سازی این ظرفیت‌هاست. بهره‌گیری از ظرفیت‌های بندری، ترانزیتی، صنعتی و دریایی منطقه مستلزم گذار از رویکردهای صرفاً ژئوپلیتیکی و امنیت‌محور به راهبردی مبتنی بر تعامل اقتصادی و پیوند با اقتصاد منطقه‌ای و جهانی است.
	سرگلزایی و همکاران، ۱۴۰۴	توسعه اقتصادی-اجتماعی مکران با تأکید بر چالش‌های امنیتی و دفاعی	توسعه اقتصادی-اجتماعی مکران نیازمند تقویت هم‌زمان زیرساخت‌های بندری و حمل‌ونقل، سرمایه‌گذاری، دیپلماسی منطقه‌ای و توان دفاعی و امنیتی است. براین اساس، توسعه مکران می‌تواند ضمن کاهش محرومیت و افزایش ثبات منطقه‌ای، جایگاه ایران را در کریدورهای بین‌المللی و تعاملات منطقه‌ای تقویت کند.

دسته بندی مطالعاتی	پژوهشگر/سال	موضوع و محور مطالعه	مهم ترین نتیجه
	دانش جعفری و همکاران، ۱۴۰۴	الزامات راهبردی حکمرانی توسعه سواحل مکران	حکمرانی مؤثر توسعه مکران بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها شامل وحدت راهبردی، توسعه اقتصاد چندمحصولی، آینده‌نگری، همسویی با سیاست خارجی و امنیت ملی، مشارکت مردمی و مدیریت سرمایه انسانی استوار است و فعال‌سازی ظرفیت‌های منطقه نیازمند یک چارچوب حکمرانی یکپارچه و راهبردی است.
	اله‌ویردی زاده و قادری حاجت، ۱۴۰۳	الزامات ژئوپلیتیکی توانمندسازی سواحل جنوب ایران از منظر قدرت دریایی	دسترسی به آب‌های اقیانوسی، موقعیت ترانزیتی و قرارگیری در شبکه‌های ارتباطات دریایی، از مهم‌ترین ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی سواحل جنوبی ایران برای ارتقای قدرت دریایی محسوب می‌شوند؛ تحقق این ظرفیت‌ها نیز نیازمند دیپلماسی دریایی هوشمند و توسعه فناوری‌های دریایی است.
امنیت دریایی و ژئوپلیتیک بنادر	گورجار ^۱ ، ۲۰۲۳	بنادر بربره و ژئوپلیتیک اقیانوس هند غربی	توسعه بنادر راهبردی در اقیانوس هند صرفاً یک پروژه اقتصادی نیست، بلکه هم‌زمان پیامدهای ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و امنیتی دارد و می‌تواند جایگاه بازیگران ساحلی را در ساختار قدرت منطقه‌ای و شبکه‌های تجاری و دریایی ارتقا دهد.
	لی ^۲ ، ۲۰۲۳	امنیت دریایی و چارچوب تحلیلی آن	امنیت پایدار دریایی حاصل تعامل و هم‌افزایی میان حکمرانی، زیرساخت، اقتصاد و سیاست است و نمی‌توان امنیت دریایی را صرفاً در چارچوب نظامی تعریف کرد. این رویکرد بر ضرورت نگاه چندبعدی به امنیت و ظرفیت‌های دریایی تأکید دارد.

1. Gurjar

2. Li

بررسی مجموعه مطالعات پیشین نشان می‌دهد که هر یک از آنها بخشی از ابعاد مسئله را مورد توجه قرار داده‌اند؛ برخی بر قدرت و راهبرد دریایی، برخی بر توسعه و حکمرانی مکران، برخی بر ژئواکونومی و کریدورهای بین‌المللی و برخی بر امنیت دریایی و ژئوپلیتیک بنادر تمرکز داشته‌اند. با این حال، تاکنون پژوهشی که با رویکردی یکپارچه، سازوکار بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی-امنیتی ناحیه ساحلی مکران را در قالب یک مدل تحلیلی برای تبیین نقش آن در تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران بررسی کند، انجام نشده است. از این رو، نوآوری پژوهش حاضر در ارائه یک چارچوب تحلیلی است که نشان می‌دهد چگونه تعامل و هم‌افزایی این سه دسته ظرفیت، زمینه افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌آورد.

۳. مبانی نظری: مفهوم‌شناسی عمق استراتژیک

مفهوم عمق استراتژیک یکی از عناصر اصلی ادبیات نظامی است. به طور کلی این مفهوم به فواصل بین خطوط مقدم نبرد و مناطق صنعتی، شهرهای بزرگ و پایتخت، مناطق مرکزی و دیگر مراکز کلیدی جمعیت یا صنایع نظامی اشاره دارد. به نظر کنثای بولدینگ^۱ عمق راهبردی به معنای توانمندی بازیگر در جذب یک حمله به درون خاک خود است؛ به طوری که بتواند زیرساخت‌های سیاسی، کشاورزی، اقتصادی، امنیتی و صنعتی‌اش را از آسیب محفوظ نگه دارد. تجربه اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم نمونه‌ای از این برداشت است؛ به گونه‌ای که وسعت سرزمینی، انتقال صنایع به شرق اورال و ایجاد فرصت زمانی برای بازسازی توان نظامی، امکان تغییر موازنه جنگ را فراهم ساخت (جعفری‌فر و باقری دولت‌آباد، ۱۴۰۲، ص. ۵). برخی این گونه تعریف کردند که عمق استراتژیک «فضای جغرافیایی است که با کنترل فرایندها و فراوری ظرفیت‌های موجود در آن بقا و

1. Kenneth E. Boulding

امنیت ارزش‌های حیاتی مادی و معنوی یک کشور را تضمین می‌کند» (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۸۸).

عمق استراتژیک، مانند بسیاری از مفاهیم دیگر، به تدریج توسعه یافته است. انتشار کتاب معروف احمد داوود اوغلو^۱ در سال ۲۰۰۱ در این زمینه بسیار تأثیرگذار بود. این کتاب، الگوهای سیاست خارجی ترکیه را به تصویر می‌کشد. داوود اوغلو دکترین خود را براساس عمق تاریخی و شرایط ژئواستراتژیک ترسیم می‌کند که هر دو نشان‌دهنده ارزش و اعتبار هر دولت در نظام بین‌الملل است. او معتقد است که عمق استراتژیک هر کشور مبتنی بر آگاهی ژئواکونومیک، ژئواستراتژیک، ژئوکالچر و استراتژیک از زمان و فضای آن کشور است، یعنی پیوندهای تاریخی و سنتی به عنوان ظرفیت‌های سیاست خارجی به‌علاوه نهادهای سیاسی، میانجیگری و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای (قره‌داغی^۲، ۲۰۱۸، ص. ۲۳). در این کتاب، حوزه‌هایی که از همپوشانی خطوط ژئوپلیتیک، ژئوکالچر و ژئواکونومیک تشکیل شده‌اند، به عنوان حوزه‌های اصلی تأثیرگذار بر سیاست‌های بین‌المللی دولت‌ها تعریف شده‌اند (ینیگون^۳، ۲۰۰۲، ص. ۱۲۲).

براین اساس، عمق استراتژیک را نمی‌توان صرفاً به معنای افزایش فاصله جغرافیایی میان سرزمین اصلی و محیط تهدید یا گسترش ظرفیت‌های نظامی در خارج از مرزها تلقی کرد، بلکه این مفهوم حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از ظرفیت‌های فضایی، ژئوپلیتیکی، ژئوکالچری، ژئواکونومیک و نظامی-امنیتی است که امکان افزایش امنیت، تاب‌آوری و قدرت اثرگذاری یک دولت را فراهم می‌سازند. برخی نویسندگان (دهقانیان و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۸۷)، در کنار مؤلفه‌های نرم‌افزاری؛ مثل زبان، ایدئولوژی و مذهب، گفتمان جهان‌شمول، فرهنگ، هنر و حضور در پیمان‌ها و اتحادهای منطقه‌ای، مؤلفه‌های سخت‌افزاری از قبیل؛ موقعیت جغرافیایی، موقعیت ترانزیتی و گذرگاهی،

1. Ahmet Davutoğlu

2. Gharedaghi

3. Yenigun

موقعیت ژئوپلیتیکی، تسلط بر تنگه‌های استراتژیک، مناسبات اقتصادی و ژئواکونومیک با کشورهای همجوار، قدرت علمی، تکنولوژیکی و فناوری، حضور در فضای خارج از جو و تکنولوژی فضایی و قدرت نظامی و دفاعی کشور را معرفی می‌کنند. در اینجا، سه مؤلفه عوامل ژئواکونومیک، توانمندی‌های نظامی - دفاعی و قدرت علمی در تقویت عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا دارای نقش حیاتی شناسایی شده‌اند (دهقانان و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۹۱). از سوی دیگر، در چارچوب راهبرد «دفاع پیشرو»، عمق استراتژیک با انتقال مواجهه با تهدید به خارج از مرزهای ملی و ایجاد ظرفیت‌های دفاعی و عملیاتی در محیط پیرامونی پیوند می‌خورد؛ به این معنا که گسترش حوزه کنش و افزایش فاصله میان کانون تهدید و سرزمین اصلی، می‌تواند آسیب‌پذیری کشور را کاهش داده و ظرفیت بازدارندگی آن را افزایش دهد (عزیزی، ۲۰۲۱، ص. ۸). در همین راستا، رویکردهای جدیدتر به مفهوم عمق استراتژیک نیز آن را مفهومی چندبعدی می‌دانند که علاوه بر مؤلفه نظامی، ابعاد سیاسی، حقوقی، اقتصادی، انرژی، حمل و نقل و لجستیکی را نیز دربرمی‌گیرد؛ بنابراین، ظرفیت‌های اقتصادی و زیرساختی می‌توانند در کنار قدرت نظامی، امنیت و استقلال راهبردی دولت را تقویت کنند (انتین و انتینا^۱، ۲۰۲۶، ص. ۱). لذا، مفهوم عمق استراتژیک صرفاً به فاصله جغرافیایی میان خط مقدم و سرزمین اصلی محدود نمی‌شود، بلکه کارآمدی آن به وجود ظرفیت‌های زیرساختی، صنعتی، لجستیکی و اقتصادی برای حفظ توان دفاعی و تداوم کنش راهبردی نیز وابسته است. کوبریدزه^۲ (۲۰۲۳) در این باره نشان می‌دهد که زیرساخت‌های توسعه‌یافته، ظرفیت صنعتی و منابع مادی، امکان جابه‌جایی، پشتیبانی و تداوم فعالیت‌های دفاعی را فراهم کرده و به یک کشور اجازه می‌دهند در برابر تهدیدات، ظرفیت دفاعی خود را در طول زمان حفظ کند. از این منظر، عمق استراتژیک را می‌توان حاصل تعامل میان فضای جغرافیایی، ظرفیت‌های زیرساختی و لجستیکی و توان دفاعی دانست؛ به گونه‌ای که ظرفیت‌های اقتصادی و زیرساختی، بستر مادی لازم برای تبدیل فضای جغرافیایی به

1. Entin & Entina

2. Koberidze

عمق راهبردی را فراهم می‌کنند. به‌طور کلی می‌توان گفت: عمق استراتژیک صرفاً فاصله فیزیکی نیست، بلکه ظرفیت جغرافیایی کشور برای ایجاد فرصت واکنش، افزایش بازدارندگی و تاب‌آوری و کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات است. از این منظر، هر اندازه یک کشور بتواند ظرفیت‌های موجود در محیط خود و پیرامونی خود را بهتر مدیریت کند از عمق استراتژیک بیشتری برخوردار خواهد بود.

لذا، در اینجا، می‌توان استدلال کرد که عمق استراتژیک ایران در نتیجه تعامل حوزه‌های مکمل ژئوپلیتیک، ژئواکونومی و نظامی - امنیتی و ... شکل می‌گیرد. بعد ژئوپلیتیک با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی، کنترل فضاها و نقاط راهبردی و گسترش حوزه نفوذ، فضای کنش راهبردی ایران را توسعه می‌دهد؛ بعد ژئواکونومیک از طریق کریدورهای ترانزیتی، زیرساخت‌های انرژی، اقتصاد دریامحور و ایجاد وابستگی‌های متقابل، منابع و پیوندهای اقتصادی لازم برای تثبیت این فضا را فراهم می‌کند؛ و بعد نظامی - امنیتی با ایجاد عمق دفاعی، افزایش بازدارندگی و انتقال خط مواجهه با تهدید به فواصل دورتر، از این ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک پشتیبانی می‌کند. از این منظر، ناحیه ساحلی مکران را می‌توان فضایی دانست که در آن این سه بعد به‌صورت هم‌افزا به یکدیگر پیوند می‌خورند و ظرفیت جغرافیایی منطقه را به قدرت راهبردی تبدیل می‌کنند، بنابراین، بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های مکران می‌تواند از طریق گسترش فضای ژئوپلیتیکی کنش، تقویت قدرت ژئواکونومیک و افزایش عمق دفاعی و امنیتی، در مجموع به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و منابع مورد استفاده شامل کتاب‌ها، مقالات علمی، گزارش‌های راهبردی و پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط بوده است. در مرحله تحلیل،

داده‌های گردآوری‌شده با رویکرد تحلیل کیفی مورد بررسی قرار گرفتند. برای این منظور، ابتدا ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران در سه بعد ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی-امنیتی از منابع معتبر استخراج و طبقه‌بندی شد. سپس، با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، نحوه ارتباط و اثرگذاری هر یک از این ابعاد بر تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران بررسی گردید. درنهایت، براساس یافته‌های حاصل از تحلیل منابع، یک مدل تحلیلی برای تبیین سازوکار بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران در تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران ارائه شد.

۵. یافته‌های پژوهش

هر چند سواحل مکران از جنبه‌های متعددی می‌تواند عمق استراتژیک ایران را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما به‌طور کلی می‌توان سه محور زیر را مبنای تحلیل این مسئله قرار داد و بحث را پیرامون این ابعاد تداوم و تعمق بخشید.

۵.۱. بعد ژئوپلیتیک

ناحیه ساحلی مکران با وجود ظرفیت‌های کم‌نظیر جغرافیایی، در دهه‌های گذشته به دلیل غلبه نگرش خشکی محور و فقدان راهبرد منسجم، جایگاه محدودی در ژئوپلیتیک ایران داشت. با این حال، تحولات قرن بیست و یکم از جمله افزایش اهمیت اقیانوس هند، گسترش اقتصاد دریامحور و تغییر الگوهای تجارت بین‌المللی، مکران را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های ژئوپلیتیکی ایران تبدیل کرده است. بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های این منطقه در قالب حکمرانی دریامحور، توسعه زیرساخت‌های بندری و افزایش پیوندهای منطقه‌ای، موجب تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران می‌شود. مهم‌ترین مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر بر این تقویت عبارتند از:

۵.۱.۱. دسترسی استراتژیک به آب‌های آزاد بین‌المللی

سواحل مکران تنها منطقه ساحلی اقیانوسی ایران است. از سیریک در جنوب میناب شروع می‌شود و تا مرز ایران و پاکستان در خلیج گواتر ادامه می‌یابد. این محدوده ساحلی بیش از ۶۰۰ کیلومتر

طول دارد که حدود ۳۰۰ کیلومتر آن در جنوب استان سیستان و بلوچستان و در چهار شهرستان دشتیاری، چابهار، کنارک و زراباد و حدود ۳۰۰ کیلومتر دیگر در استان هرمزگان و در شهرستان جاسک و سیریک است (ویسی، ۱۴۰۴، ص. ۳۰). قرار گرفتن این منطقه در کرانه دریای عمان و اتصال مستقیم آن به اقیانوس هند، جایگاهی ممتاز برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. اهمیت ژئوپلیتیکی این ظرفیت، صرفاً به دسترسی فیزیکی به آب‌های آزاد محدود نمی‌شود؛ بلکه در امکان بهره‌گیری راهبردی از این دسترسی برای افزایش انعطاف‌پذیری فضایی، کاهش آسیب‌پذیری ژئوپلیتیکی و تنوع‌بخشی به گزینه‌های راهبردی کشور نهفته است. همان‌گونه که لکزی و اطهری (۱۴۰۱، ص. ۱۷۰) اشاره می‌کنند، برخلاف بنادر مستقر در خلیج فارس که دسترسی آن‌ها وابسته به عبور از تنگه هرمز است، سواحل مکران امکان ارتباط مستقیم و بدون واسطه با شبکه حمل‌ونقل و تجارت دریایی جهان را فراهم می‌آورد. از این رو، این منطقه می‌تواند وابستگی انحصاری ایران به خلیج فارس و تنگه هرمز را کاهش داده و استمرار دسترسی کشور به آب‌های آزاد را حتی در شرایط بحران تضمین کند.

مطالعات خزایی و همکاران (۱۴۰۱، ص. ۲۲۰)، پیشگاهی فرد و همکاران (۱۳۹۸)، اله‌ویردی‌زاده و قادری حاجت (۱۴۰۳) و ویسی (۱۴۰۴) نیز نشان می‌دهد که دسترسی مستقیم مکران به اقیانوس هند، علاوه بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی، زمینه افزایش عمق ژئوپلیتیکی ایران را از طریق کاهش تمرکز جغرافیایی زیرساخت‌های راهبردی، تنوع‌بخشی به مسیرهای ارتباطی و افزایش تاب‌آوری فضایی کشور فراهم می‌کند. بنابراین، بهره‌گیری راهبردی از این ظرفیت در قالب توسعه دریامحور و سیاست‌گذاری فضایی هوشمند می‌تواند عمق استراتژیک ایران را تقویت کند. در نتیجه، این ویژگی صرفاً یک مزیت جغرافیایی نیست، بلکه با کاهش محدودیت‌های ژئوپلیتیکی ایران و افزایش انعطاف راهبردی در دسترسی به آب‌های آزاد، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود.

۵. ۱. ۲. ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت مانور منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ناحیه ساحلی مکران، علاوه بر فراهم ساختن دسترسی پایدار به آب‌های آزاد، موجب ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران و افزایش قدرت مانور منطقه‌ای کشور نیز می‌شود. همان‌گونه که در پژوهش‌های اخیر (قنبری و همکاران، ۱۴۰۴؛ متقی و همکاران، ۱۴۰۳) مورد تأکید قرار گرفته است، توسعه این منطقه، ایران را از کشوری که بخش عمده تعاملات دریایی آن به محیط نسبتاً بسته خلیج فارس محدود است، به بازیگری با حضور مؤثر در دریای عمان و اقیانوس هند تبدیل می‌کند؛ فضایی که امروزه یکی از مهم‌ترین کانون‌های رقابت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی جهان به‌شمار می‌رود.

ازمنظر برخی نویسندگان (قنبری، ۲۰۲۳؛ ویسی، ۲۰۲۶) سیاست‌گذاری هدفمند در بهره‌برداری از ظرفیت‌های ساحلی، توسعه بنادر راهبردی، ایجاد زیرساخت‌های دریایی، تقویت دیپلماسی دریایی و افزایش پیوندهای منطقه‌ای موجبات ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را فراهم می‌سازد. در چنین شرایطی، مکران به سکویی برای توسعه تعاملات ایران با کشورهای ساحلی اقیانوس هند، آسیای جنوبی، شرق آفریقا، اقیانوسیه و سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل می‌شود و امکان مشارکت فعال‌تر کشور در ترتیبات دریایی و ابتکارات منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. در همین راستا، احمدی و نورعلی (۱۴۰۱) معتقدند بنادر سواحل مکران، به‌ویژه بندر چابهار، به‌عنوان «کدهای ژئوپلیتیکی» مرکزی سیاست خارجی ایران شناخته می‌شوند که به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک در اقیانوس هند، نقطه تلاقی منافع قدرت‌های دریایی و کشورهای محصور در خشکی (افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی) برای دسترسی به آب‌های آزاد محسوب می‌شوند. بندر چابهار به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران، به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منحصر به فرد خود در ورودی دریای عمان و اقیانوس هند، از نقاط پرتردد کشتی‌رانی در جهان محسوب می‌شود و می‌تواند از مزیت این موقعیت راهبردی در سطح جهانی بهره‌مند گردد (متقی و همکاران، ۱۴۰۳). همچنین، مطالعات جدید (چوهدری و همکاران، ۲۰۲۵، ص. ۵۰۳) نشان می‌دهد که منطقه ژئوپلیتیک هند-

اقیانوسیه به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شده است؛ به‌گونه‌ای که کنترل و بهره‌برداری از بنادر، خطوط مواصلاتی دریایی، کریدورهای ترانزیتی و زیرساخت‌های ساحلی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال نفوذ ژئوپلیتیکی در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های مکران، ایران را به بازیگری با حضور مؤثر در این منطقه تبدیل می‌کند؛ موضوعی که امکان تنوع‌بخشی به حوزه‌های تعامل، افزایش انعطاف راهبردی و گسترش گزینه‌های سیاست خارجی کشور را فراهم می‌آورد.

از سوی دیگر، توسعه ظرفیت‌های مکران موجب افزایش قدرت مانور ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی می‌شود. این منطقه، با فراهم کردن گزینه‌های متنوع برای حضور و تعامل در محیط دریایی، وابستگی ژئوپلیتیکی کشور به یک فضای محدود را کاهش داده و امکان واکنش منعطف‌تر به تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم می‌آورد. حضور نیروی دریایی راهبردی ایران در سواحل مکران و آب‌های آزاد، زمینه‌ساز افزایش عمق ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک کشور، افزایش وزن ژئوپلیتیک و اعتبار بین‌المللی ایران می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عواملی مانند رعایت سیاست‌های بین‌المللی، نفوذ دیپلماتیک، آگاهی از حقوق دریاها و تدوین مأموریت‌های نیرویی، ازجمله عوامل راهبردی مؤثر در این حضور هستند که درنهایت به برقراری امنیت، بازدارندگی و توسعه اقتصاد دریامحور منجر می‌شوند (جعفری و همکاران، ۲۰۲۴، ص. ۱۰۳). درنتیجه، ایران می‌تواند هم‌زمان نقش مؤثری در معادلات خلیج فارس، دریای عمان و شمال اقیانوس هند، شرق آفریقا و ... ایفا کند و دامنه اثرگذاری ژئوپلیتیکی خود را به محیط‌های پیرامونی گسترش دهد. چنین شرایطی، زمینه افزایش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را از طریق گسترش فضای کنش، ارتقای قدرت اثرگذاری و افزایش انعطاف‌پذیری ژئوپلیتیکی کشور فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، همان‌گونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ناحیه ساحلی مکران از طریق دو مؤلفه اصلی، یعنی دسترسی راهبردی به آب‌های آزاد و

اقیانوس هند و گسترش حوزه نفوذ و مانور ژئوپلیتیکی ایران، موجب افزایش وزن و انعطاف ژئوپلیتیکی کشور شده و در نهایت به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شود.



شکل ۱. مدل تحلیلی نقش مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی ناحیه ساحلی مکران در تقویت عمق استراتژیک ایران

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۵)

۵. ۲. بعد ژئواکونومیک

اقتصاد دریامحور^۱ به رویکردی توسعه‌ای اشاره دارد که بر بهره‌گیری پایدار از منابع و ظرفیت‌های دریایی و اقیانوسی برای دستیابی به رشد اقتصادی، بهبود معیشت و ایجاد اشتغال، همراه با حفاظت از سلامت اکوسیستم‌های دریایی تأکید دارد. این رویکرد، طیفی از فعالیت‌های اقتصادی همچون شیلات و آبی‌پروری، حمل‌ونقل و زیرساخت‌های دریایی، گردشگری ساحلی و دریایی و

1. Blue Economy

بهره‌برداری از منابع دریایی را دربرمی‌گیرد (بانک جهانی^۱، ۲۰۱۷، ص. ۸). ازاین‌منظر، اقتصاد دریامحور صرفاً یک الگوی اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند در تعامل با ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی و دریایی، به کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و تقویت قدرت و امنیت ملی نیز کمک کند (خان، ۲۰۲۵، ص. ۲۵). توسعه سواحل مکران صرفاً یک پروژه اقتصادی و منطقه‌ای نیست، بلکه بخشی از راهبرد ارتقای تاب‌آوری اقتصادی و راهبردی ایران است. تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های حیاتی، توسعه مسیرهای جایگزین تجارت و انرژی، گسترش پیوندهای منطقه‌ای و کاهش تمرکز فعالیت‌های راهبردی در پهنه‌های محدود، از سازوکارهای کاهش آسیب‌پذیری در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی هستند. مکران با حکمرانی یکپارچه، سرمایه‌گذاری هدفمند و توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیکی و انرژی، می‌تواند به یکی از پایه‌های اقتصاد دریامحور ایران تبدیل شده و از طریق افزایش تاب‌آوری اقتصادی، تنوع‌بخشی به مسیرهای ارتباطی و انرژی و گسترش پیوندهای منطقه‌ای، به تقویت مؤلفه‌های ژئواکونومیک قدرت ملی و ارتقای عمق استراتژیک کشور کمک کند.

۵. ۱. ۲. توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیکی و کریدوری ترانزیتی

در رویکرد ژئواکونومیک، ناحیه مکران در پیوند با قاره هند و حتی قفقاز از موقعیت مناسبی برخوردار است. مکران در کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال- جنوب قرار دارد که از یک سو هند را به آسیای مرکزی، اوراسیا، قفقاز و آناتولی متصل کرده و از سوی دیگر امکان اتصال کشورهای مذکور در خشکی آسیای مرکزی به دریا را فراهم می‌کند (لکزی و اطهری، ۱۴۰۱، ص. ۱۷۲). ازاین‌منظر، ظرفیت‌های بندری مکران صرفاً یک مزیت اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند به ابزاری برای افزایش نقش و قدرت اثرگذاری ایران در شبکه‌های ارتباطی منطقه تبدیل شود.

در مطالعات مربوط به کریدورهای ارتباطی ایران، مسیرهایی همچون کریدور شمال- جنوب، کریدور تراسیک، کریدور شرق- غرب و کریدور جنوبی آسیا ازجمله مهم‌ترین محورهایی هستند

که ظرفیت اتصال ایران به شبکه‌های حمل‌ونقل فرامرزی را ایجاد می‌کنند (زرقانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۵). در این میان، چابهار به دلیل موقعیت دریایی خود می‌تواند در پیوند میان مسیرهای دریایی و شبکه‌های حمل‌ونقل زمینی نقش یک دروازه ژئواکونومیک را ایفا کند؛ نقشی که در صورت تکمیل زیرساخت‌های بندری، ریلی و جاده‌ای، ظرفیت تبدیل مکران به یکی از گره‌های مهم شبکه ترانزیتی منطقه را افزایش خواهد داد.

اهمیت چابهار در این زمینه، به‌ویژه در ارتباط با کشورهای محصور در خشکی، قابل توجه است. چابهار فراتر از یک بندر صرف است و یک مهره شطرنج استراتژیک در استراتژی ژئوپلیتیکی ایران محسوب می‌شود که هدف آن تقویت تجارت منطقه‌ای، دور زدن محدودیت‌های ژئوپلیتیکی و گسترش نفوذ در اقیانوس هند است (سرمد، ۲۰۲۵، ص. ۲). پژوهش دادپروور و کالجی (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که پروژه ترانزیتی چابهار را می‌توان در چارچوب گذار از رویکرد صرفاً ژئوپلیتیکی به ژئواکونومیک تحلیل کرد. در این رویکرد، بندر چابهار صرفاً ابزاری برای افزایش نفوذ سیاسی یا رقابت ژئوپلیتیکی نیست، بلکه می‌تواند از طریق ایجاد منافع اقتصادی مشترک، توسعه تجارت و شکل‌دهی به وابستگی‌های متقابل، به بستری برای همکاری منطقه‌ای تبدیل شود. توسعه چابهار در این چارچوب می‌تواند منافع ایران را با منافع هند، افغانستان و کشورهای آسیای مرکزی در حوزه حمل‌ونقل و تجارت پیوند دهد و از طریق شکل‌دهی به شبکه‌ای از منافع مشترک، ظرفیت‌های ژئواکونومیک مکران را بالفعل سازد. بنابراین، چابهار را می‌توان نمونه‌ای از تبدیل یک موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی به یک ظرفیت ژئواکونومیک دانست که در آن زیرساخت بندری، کریدورهای ترانزیتی و روابط اقتصادی منطقه‌ای در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند (دادپروور و کالجی، ۲۰۲۴، ص. ۲۸۳).

مسیر تجاری چابهار کوتاه‌ترین و کم‌هزینه‌ترین مسیر ترانزیتی افغانستان به بازارهای جهانی است و می‌تواند جایگزین خوبی برای بندر کراچی باشد (سرمست، ۲۰۲۵، ص. ۲). مطالعه کومار^۱ (۲۰۲۱) با بررسی جایگاه چابهار در ارتباط با افغانستان، بر اهمیت این بندر در فراهم‌سازی دسترسی یک کشور محصور در خشکی به آب‌های آزاد و چارچوب حقوقی و ترانزیتی مرتبط با این دسترسی تأکید می‌کند. از این منظر، چابهار می‌تواند به‌عنوان بستری برای تقویت مناسبات اقتصادی و ترانزیتی ایران با افغانستان و سایر کشورهای محصور در خشکی آسیای مرکزی عمل کند.

لذا، جمهوری اسلامی ایران، در صورت فعال کردن بندر چابهار و سواحل مکران در سطح استانداردهای بین‌المللی می‌تواند کشورهای محصور در خشکی آسیای جنوبی و مرکزی را به خود وابسته کند. با این سیاست علاوه بر بهره‌وری خود از این مزیت نسبی می‌توان بازیگران سیاسی دیگر منطقه را در این نقطه استراتژیک دخیل کرد تا آنها هم در منافع سواحل مکران سهیم باشند. با فرآوری این مزیت ژئوپلیتیکی می‌توان پیمان‌های دوجانبه و چندجانبه با کشورهای محصور در خشکی به امضا رساند و این ظرفیت بالقوه ژئوپلیتیکی را به حالت بالفعل درآورد (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۸۶). درواقع، موقعیت بندر چابهار به‌عنوان کانون این کریدورها، امکان تبدیل ایران به هاب ترانزیتی منطقه را فراهم ساخته است.

موقعیت کریدوری سواحل مکران، به‌ویژه بندر چابهار، این امکان را برای ایران فراهم می‌کند که موقعیت جغرافیایی خود را به یک مزیت ژئواکونومیک تبدیل کند. پیوند دسترسی دریایی به اقیانوس هند، شبکه‌های حمل‌ونقل زمینی و کریدورهای منطقه‌ای، در کنار نقش چابهار در اتصال کشورهای محصور در خشکی به آب‌های آزاد، مکران را به یکی از گره‌های مهم ترانزیتی منطقه تبدیل می‌کند. تحقق این ظرفیت، ضمن تقویت جایگاه ایران در شبکه‌های تجارت و حمل‌ونقل منطقه‌ای، امکان افزایش درآمدهای ترانزیتی و گسترش وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهای پیرامونی را فراهم

می‌سازد. از این منظر، توسعه‌ی کریدوری مکران فراتر از یک مزیت اقتصادی، با گسترش حوزه‌های تعامل و افزایش گزینه‌های ارتباطی، به توسعه‌ی عمق استراتژیک ایران کمک می‌کند؛ به گونه‌ای که مکران به گره‌ای کلیدی در شبکه‌ی ترانزیتی منطقه تبدیل شده و از طریق گسترش فضای کنش ژئواکونومیک و ایجاد شبکه‌ای از منافع مشترک، عمق استراتژیک ایران را تقویت می‌کند.

۵.۲.۲. توسعه‌ی اقتصاد دریامحور و زنجیره‌های ارزش وابسته

موقعیت جغرافیایی سواحل مکران در مجاورت آب‌های آزاد اقیانوس هند و برخورداری از شرایط اقلیمی ویژه، ظرفیت‌های متنوعی برای توسعه‌ی اقتصاد دریامحور فراهم کرده است. این ظرفیت‌ها فراتر از فعالیت‌های شیلاتی، شامل کشاورزی گرمسیری، آبی‌پروری، صنایع فرآوری، خدمات دریایی و صنایع وابسته است و امکان شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش مرتبط با دریا را فراهم می‌سازد.

از جمله قابلیت‌های مهم مکران، ظرفیت‌های محیطی این منطقه در حوزه‌ی کشاورزی و شیلات است. در اسناد بالادستی توسعه‌ی سواحل مکران، این منطقه به عنوان یکی از پهنه‌های مستعد توسعه‌ی محصولات گرمسیری و گلخانه‌ای مورد توجه قرار گرفته است. براساس مطالعات انجام‌شده، محدوده‌ی ساحلی کنارک، چابهار تا گواتر، با برخورداری از اراضی مستعد، اقلیم گرم و مرطوب و دسترسی به منابع دریایی، ظرفیت مناسبی برای توسعه‌ی محصولات گرمسیری و نیمه‌گرمسیری، آبی‌پروری و فعالیت‌های شیلاتی دارد. تولید محصولاتی همچون موز، مرکبات، انبه، نارگیل، گواوا، کنار، تمره‌ندی، پاپایا و خرما، در کنار توسعه‌ی گلخانه‌ها و کشت محصولات گرمسیری، از جمله ظرفیت‌های قابل توجه این منطقه محسوب می‌شود. در حوزه‌ی شیلات و آبی‌پروری نیز سواحل مکران از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردار است. وجود بنادر صیادی و جایگاه‌های تخلیه‌ی صید در محدوده‌ی چابهار و کنارک، شرایط اقلیمی مناسب و تنوع منابع آبی، زمینه‌ی توسعه‌ی فعالیت‌هایی همچون پرورش میگو، پرورش ماهی در دریا و قفس، صید تون‌ماهیان و صنایع فرآوری و کنسروی محصولات شیلاتی را فراهم کرده است. این ظرفیت‌ها می‌توانند علاوه بر تأمین بخشی از نیاز بازار داخلی، زمینه‌ی

توسعه صادرات، ایجاد اشتغال و افزایش درآمدهای ارزی را نیز فراهم کنند (پورصمصام، ۱۴۰۱، صص. ۹-۱۰).

از سوی دیگر، دسترسی به اقیانوس هند و آب‌های آزاد، برخورداری از منطقه انحصاری اقتصادی و دسترسی به منابع شیلاتی، بستر و زیربستر دریا و منابع معدنی و کانی، ظرفیت‌های گسترده‌ای را برای توسعه فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با دریا در اختیار ایران قرار داده است. بهره‌گیری هدفمند از این ظرفیت‌ها می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال و درآمدهای ارزی، به توسعه فعالیت‌های اقتصادی متنوع در سواحل مکران منجر شود (حافظ‌نیا و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۸۶).

توسعه اقتصاد دریامحور در مکران فراتر از بهره‌برداری مستقیم از منابع دریایی، در قالب شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش وابسته به دریا قابل تحلیل است. توسعه شیلات و آبی‌پروری، گسترش صنایع فرآوری، بسته‌بندی، تولید خوراک آبزیان و تجهیزات آبی‌پروری و نیز توسعه بازارهای صادراتی و گردشگری ساحلی را به دنبال دارد. هم‌زمان، توسعه بنادر چابهار، کنارک و جاسک، زمینه گسترش خدمات بندری، تعمیر و نگهداری شناورها و سایر فعالیت‌های خدماتی مرتبط با اقتصاد دریا را فراهم می‌کند. پیوند میان منابع دریایی، فعالیت‌های تولیدی، صنایع فرآوری، خدمات دریایی و بازارهای منطقه‌ای، ظرفیت شکل‌گیری یک زنجیره ارزش یکپارچه در سواحل مکران را ایجاد می‌کند. توسعه این زنجیره‌ها با متنوع‌سازی پایه‌های اقتصادی، افزایش اشتغال و درآمدهای ارزی، توسعه صنایع و خدمات دریایی و گسترش پیوندهای اقتصادی ایران با بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی، به تقویت جایگاه ژئواکونومیک کشور منجر می‌شود. به این ترتیب، بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های اقتصاد دریامحور مکران، افزون بر ایجاد فرصت‌های جدید توسعه اقتصادی، با گسترش حوزه‌های کنش اقتصادی و تقویت پیوندهای منطقه‌ای، به تعمیق عمق استراتژیک ایران کمک می‌کند.

۵.۲.۳. تنوع بخشی به زیرساخت‌های انرژی و ارتقای امنیت انرژی

توسعه زیرساخت‌های انرژی در سواحل مکران، به‌ویژه در محدوده بندر جاسک، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های بهره‌گیری راهبردی از ظرفیت‌های این ناحیه برای تنوع بخشی به زیرساخت‌های حیاتی و ارتقای امنیت انرژی ایران است. موقعیت مکران در ساحل دریای عمان و خارج از خلیج فارس، امکان ایجاد ظرفیت‌های جدید برای انتقال، ذخیره سازی و صادرات انرژی را فراهم کرده است. توسعه این زیرساخت‌ها، بخشی از تلاش ایران برای کاهش تمرکز جغرافیایی زیرساخت‌های صادراتی و افزایش انعطاف پذیری شبکه انرژی در برابر مخاطرات ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود.

باتوجه به آسیب پذیری‌های ایران در صادرات انرژی، توسعه بندر جاسک سهم قابل توجهی در تأمین امنیت انرژی کشور خواهد داشت. ازمنظر امنیت انرژی، جایگزینی تنگه هرمز و جایگزینی پایانه نفتی خارک در صادرات انرژی، مهم‌ترین اهمیت بندر جاسک محسوب می‌شود. به‌منظور تأمین امنیت انرژی و تحقق هدف تبدیل بندر جاسک به یک هاب انرژی، ایران پروژه‌های متعددی را انجام داده است [یا طراحی نموده است]. احداث خطوط لوله نفت گوره- جاسک و نکا- جاسک، خطوط لوله گاز سرخس- جاسک و ایران- عمان، مخازن ذخیره نفت خام و گاز، احداث پایانه جاسک، پالایشگاه LNG و مجتمع پتروشیمی ازجمله مهم‌ترین پروژه‌ها هستند (رشید، ۲۰۲۱، ص. ۱۰). بنابراین، اهمیت راهبردی جاسک را نباید صرفاً در افزایش ظرفیت صادراتی جست‌وجو کرد، بلکه این بندر می‌تواند با ایجاد یک مسیر مکمل در ساحل دریای عمان، به افزایش تاب‌آوری و انعطاف پذیری زیرساخت‌های انرژی کشور کمک کند.

دراین میان، خط لوله گوره- جاسک مهم‌ترین پروژه زیرساختی این فرایند محسوب می‌شود. این پروژه با ظرفیت طراحی انتقال یک میلیون بشکه نفت خام در روز، شامل حدود هزار کیلومتر خط لوله ۴۲ اینچی، پنج ایستگاه پمپاژ، تأسیسات انتقال و ذخیره سازی و پایانه صادراتی در جاسک است. براساس برخی گزارش‌ها اهداف اصلی این پروژه عبارتند از: کاهش ریسک‌های ناشی از تمرکز مسیرهای صادراتی، افزایش تداوم صادرات نفت خام، تمرکززدایی از پایانه‌های صادراتی و ایجاد

ظرفیت جایگزین برای پایانه نفتی خارک. از این منظر، خط لوله گوره- جاسک را می‌توان بخشی از راهبرد ایران برای تنوع بخشی جغرافیایی به زیرساخت‌های انرژی و افزایش تاب‌آوری صادرات نفت در برابر اختلالات احتمالی دانست (رشید، ۲۰۲۱، ص. ۱۰).

افزون بر این، توسعه زیرساخت‌های انرژی در جاسک می‌تواند زمینه شکل‌گیری یک قطب انرژی در ساحل دریای عمان را فراهم سازد. پیوند میان پایانه‌های صادراتی، مخازن ذخیره‌سازی، زیرساخت‌های انتقال انرژی و فعالیت‌های صنعتی و لجستیکی وابسته، ظرفیت ایجاد یک شبکه به هم پیوسته از زیرساخت‌های انرژی و خدمات مرتبط را در مکران افزایش می‌دهد. در این چارچوب، توسعه جاسک می‌تواند علاوه بر ایفای نقش در امنیت انرژی، به تقویت جایگاه اقتصادی و ژئوپلیتیکی مکران نیز کمک کند. از این منظر، مزیت ترانزیتی چابهار و ظرفیت انرژی جاسک، دو قابلیت مکمل در سواحل مکران هستند که در صورت بهره‌برداری هماهنگ و راهبردی می‌توانند نقش ایران را در محیط پیرامونی ارتقا دهند (لکزی و اطهری، ۱۴۰۱، ص. ۱۶۵).

تنوع بخشی به زیرساخت‌های انرژی در مکران، از طریق ایجاد مسیرهای مکمل صادراتی و کاهش تمرکز جغرافیایی، می‌تواند به ارتقای امنیت و تاب‌آوری انرژی ایران کمک کند. این فرایند، با بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های ایجاد شده و حکمرانی یکپارچه بر زیرساخت‌های انرژی، آسیب‌پذیری در برابر اختلالات ژئوپلیتیکی در مسیرهای سنتی صادرات را کاهش داده و گزینه‌های بیشتری برای مدیریت بحران‌های انرژی فراهم می‌آورد. بنابراین، نقش مکران در تقویت عمق استراتژیک ایران در حوزه انرژی، نه در حذف کامل وابستگی به تنگه هرمز، بلکه در ایجاد ظرفیت‌های مکمل، افزایش انعطاف‌پذیری و ارتقای تاب‌آوری زیرساخت‌های انرژی قابل تبیین است.



شکل ۲: مدل تحلیلی نقش مؤلفه‌های ژئواکونومیک ناحیه ساحلی مکران در تقویت عمق استراتژیک ایران

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۵)

به‌طور کلی، مدل تحلیلی (شکل ۲) نشان می‌دهد که ظرفیت ژئواکونومیک ناحیه ساحلی مکران از طریق سه مسیر مکمل و به‌هم‌پیوسته می‌تواند به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران منجر شود. در مسیر نخست، توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیک و کریدوری، با ارتقای جایگاه چابهار و مکران در شبکه‌های ترانزیتی منطقه‌ای و بین‌المللی، دامنه ارتباطات اقتصادی و جغرافیایی ایران را گسترش می‌دهد؛ در مسیر دوم، توسعه اقتصاد دریامحور و زنجیره‌های ارزش وابسته، از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌های کشاورزی گرمسیری، شیلات، آبی‌پروری و صنایع و خدمات دریایی، به ایجاد اشتغال، درآمدهای ارزی و شکل‌گیری پیوندهای اقتصادی پایدار با کشورهای پیرامونی کمک می‌کند؛ و در مسیر سوم، تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های انرژی و توسعه پایانه‌ها و تأسیسات انرژی در جاسک، با کاهش تمرکز صادرات انرژی در خلیج فارس و وابستگی به تنگه هرمز،

تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری اقتصاد انرژی ایران را افزایش می‌دهد. برآیند این سه مسیر، تبدیل موقعیت جغرافیایی مکران به قدرت ژئواکونومیک و گسترش گزینه‌های ارتباطی، تجاری و انرژی ایران است که از طریق افزایش قدرت اثرگذاری اقتصادی، ایجاد وابستگی‌های متقابل و کاهش آسیب‌پذیری‌های راهبردی، به تقویت عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی و فراتر از آن منجر می‌شود.

۵.۳. بعد نظامی/امنیتی

سواحل مکران با استقرار پایگاه‌های دریایی در جاسک، کنارک، چابهار و پسابندر، به کانون راهبردی نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. این استقرار، ضمن افزایش عمق دفاعی کشور در جنوب شرق، کنترل مؤثر بر مرزهای آبی و خشکی را ممکن ساخته و توان تهاجمی ایران را فراتر از مرزهای خشکی ارتقا داده است. ایجاد پایگاه‌های نظامی-امنیتی در مکران، در کنار تعریف نیروی دریایی راهبردی، زمینه‌ساز این تحول شده که در دو سطح تاکتیکی و استراتژیکی قابل تحلیل است.

۵.۳.۱. سطح تاکتیکی

تقویت سطح فعالیت‌های نظامی ایران در سواحل مکران و به‌خصوص انتقال بخشی از بار نیروی دریایی ایران به این محل در چند سال گذشته، از بعد تاکتیکی به چندین دلیل، عملی پذیرفته و تقویت‌کننده عمق استراتژیکی ایران محسوب می‌شود:

الف) پراکندگی ظرفیت نظامی و کاهش آسیب‌پذیری

سواحل مکران موجب انتقال بخشی از یگان‌های رزمی، ناوگروه‌ها و تجهیزات حساس از مناطق پرتنش خلیج فارس به محیط کم‌تهدیدتر دریای عمان و اقیانوس هند می‌شود. این همان چیزی است که برخی صاحب‌نظران (سیک^۱، ۲۰۱۷؛ واسر و استاین^۲، ۲۰۲۰) در ادبیات نظامی «پراکنش یا

1. sick

2. Wasser & stein

پراکنده‌سازی پایگاه‌ها^۱ نام گذاشته‌اند. لذا در طی چند سال گذشته شاهد انتقال بخشی از پایگاه و ظرفیت‌های نیروی دریایی ایران به سواحل مکران بوده‌ایم.

علاوه‌براین، امیر ایرانی، فرمانده نیروی دریایی، درباره ظرفیت‌های نیروی دریایی ارتش در سواحل مکران، به توانمندی‌های کشور در حوزه تجهیزات سطحی اشاره کرده و می‌گوید در حوزه سطحی تلاش می‌کنیم که ظرفیت تناژ خود را بالا ببریم. وی حوزه زیرسطحی را نیز جزو اولویت‌های ارتش اعلام می‌کند و تأکید دارد در این حوزه پروژه رو به جلو پیش می‌رود و امیدواریم به‌زودی به نتیجه برسیم (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۴۰۱). لذا این اقدام از یک طرف، احتمال هدف قرار گرفتن همزمان تمامی پایگاه‌های دریایی ایران و تمرکزپذیری آتش دشمن را کاهش می‌دهد و از طرف دیگر، «زمان واکنش» در شرایط بحران را افزایش می‌دهد.

ب) افزایش عمق دفاعی دریایی

با گسترش استقرار نیروها در سواحل مکران، برد دفاع نزدیک ایران در دریا گسترش می‌یابد. ازاین‌منظر، خط درگیری احتمالی دشمن از تنگه هرمز به دریای عمان منتقل می‌شود و «لایه‌گذاری دفاعی»^۲ شکل می‌گیرد. همچنین کشف زود هنگام تهدیدات سطحی و زیرسطحی تقویت می‌شود.

دکترین دریایی ایران بر دفاع لایه‌ای و تمرکز قدرت آتش، ادغام همزمان سلاح‌های دریایی، زمینی و هوایی برای غلبه و گیج کردن دشمنان متکی است. با تکامل دکترین دریایی، ایرانی‌ها به موفقیت بزرگی از تجهیزات دریایی مناسب برای جنگ نامتقارن دست یافته‌اند. این تجهیزات شامل مین‌های دریایی است که می‌توانند به‌صورت مخفیانه با استفاده از قایق‌های کوچک یا کشتی‌های تجاری مستقر شوند؛ موشک‌های کروز ضدکشتی زمینی و دریایی؛ شناورهای کوچک تهاجمی که می‌توانند در عملیات هجومی یا حملات انتحاری شرکت کنند؛ و زیردریایی‌ها، از جمله سه زیردریایی دیزلی -

1. Dispersed Basing

2. Layered Defense

الکتریکی کلاس Kilo ساخت روسیه و زیردریایی‌های کوچک کره شمالی و تولید داخل که می‌توانند در مناطق کم عمق خلیج فارس مورد استفاده قرار گیرند (کانل^۱، ۲۰۱۰).

ج) بهبود امکان کنترل مسیر تهدید

در سطح تاکتیکی، مکران به ایران اجازه می‌دهد تا از طریق گشت‌زنی دریایی، استقرار پهپادهای دوربرد و پایش الکترونیک و راداری حوزه «اطلاعاتی، مراقبت و شناسایی»^۲ را افزایش دهد. قطعاً نتیجه این اقدام، افزایش دقت عملیاتی و کاهش غافلگیری است.

نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران در رویدادی، کشتی‌های پشتیبانی مجهز به پهپادها را به نمایش گذاشت. دریادار شهرام ایرانی در یک مصاحبه تلویزیونی گفت: «استفاده از پهپادها ظرفیت قابل توجهی به واحدهای دریایی ما اضافه می‌کند و تسلط ما را صدها کیلومتر گسترش می‌دهد. رسانه‌های ایران اقدام به انتشار تصاویر و ویدئوهایی کردند که نشان می‌دهد انواع مختلفی از سامانه‌های پرنده بدون سرنشین (UAV) از شناور آبی-خاکی کلاس «هنگام» موسوم به لاوان (۵۱۴)، ناو پشتیبانی دلوار (۴۷۱) و همچنین یک فروند زیردریایی کلاس «کیلو» که با نام طارق شناسایی شده است، به پرواز درآمده‌اند» (بینی^۳، ۲۰۲۲).

د) انعطاف در طرح‌ریزی عملیات

هیچ عملیات دریایی در جهان بدون «پایگاه پشتیبانی نزدیک» امکان‌پذیر نیست. پایگاه‌های جاسک و چابهار موجب می‌شود: مسیرهای ورود و خروج ناوگروه‌ها متنوع شود. گزینه‌های رزمی متعدد ایجاد گردد و قابلیت حمله از محورهای غیرمنتظره فراهم شود. این موضوع از دیدگاه تاکتیکی انعطاف عملیاتی^۴ ایجاد می‌کند.

1. Connell

2. ISR: intelligence, surveillance, reconnaissance

3. Binnie

4. Operational Flexibility

نیروهای مسلح ایران در مواجهه با دشمنانی که از نظر فناوری برتر هستند، مانند ایالات متحده، مدل جنگ فرسایشی مبتنی بر بازدارندگی را انتخاب کرده است که به جای کاهش خطرات و هزینه‌های حریف، آنها را افزایش می‌دهد. هدف، تحمیل یک شکست روانی است که مانع تمایل دشمن به جنگیدن می‌شود (کانل، ۲۰۱۰). این راهبرد با تاکتیک‌های نامتقارن مانند قایق‌های کوچک مسلح و شناورهای تندرو، از آسیب‌پذیری‌های دشمن سوءاستفاده کرده و حملات غافلگیرانه انجام می‌دهد (حق‌شناس، ۲۰۰۸، ص. ۱).

۵.۳.۲. سطح استراتژیک

سواحل مکران در دهه‌های اخیر از منظر نظامی در سطح «استراتژیک» اهمیت بسیار فزاینده‌ای پیدا کرده است. اهمیت مکران نه در ظرفیت‌های تاکتیکی، بلکه در توان آن برای تغییر ساختار محیط امنیتی ایران و ایجاد عمق دفاعی و راهبردی جدید بر اساس محورهای زیر قابل تحلیل است:

الف) جابه‌جایی مرکز ثقل امنیت دریایی ایران

پیش از توسعه مکران، مرکز ثقل دفاع دریایی ایران تنگه هرمز و خلیج فارس بود؛ یعنی نقطه‌ای محدود، آسیب‌پذیر و قابل انسداد. مزیت تصمیمات اتخاذ شده درخصوص نیروی دریایی راهبردی و گسترش پایگاه‌های آن در سواحل مکران این است که با توسعه مکران، مرکز ثقل از «آبراه محدود» به «اقیانوس آزاد» منتقل می‌شود، محیط تهدید از «نزدیک» به «دور» جابه‌جا می‌گردد و «بازدارندگی پیش‌دستانه»^۱ شکل می‌گیرد.

در عرصه‌های دریایی یکی از مسائل مهم برای ایران، دفاع از دور است؛ زیرا این اقدام، هم امنیت عرصه‌های دریایی مجاور مرزهای خود و هم امنیت ملی ایران را تأمین می‌کند و باعث عملیات تأخیری برای آن می‌گردد. ماهیت تهدیدات ایران نشان می‌دهد که رقبای جدی ایران به‌خصوص رقبای فرامنطقه‌ای، قدرت‌های دریاپایه هستند و شناسایی راه مقابله با آنان از ضروریات اساسی است.

نحوه مقابله یا دفاع در مقابل این دشمن هم باید دریاپایه باشد (امیری، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۱). تهدید اصلی ایران از دریا و توسط گروه‌های ناو هواپیمابر آمریکا در خلیج فارس و خلیج عمان و بمب‌افکن‌های مستقر در دیه‌گوگارسیا شکل می‌گیرد. ایران در چارچوب استراتژی «دسترسی‌پذیری-جلوگیری از دسترسی»^۱ و در پاسخ به رویکرد «حمله از بیرون به درون»^۲ آمریکا، حضور خود را در خلیج عمان، دریای عرب و اقیانوس هند گسترش داده است (آیزنشتات و پاز،^۳ ۲۰۱۴).

ب) افزایش قدرت بازدارندگی دریایی

در سطح استراتژیک، حضور در دریای عرب و آب‌های آزاد، اسکورت کشتی‌ها و ورود به مسیرهای انرژی دنیا (باب‌المندب-مالاکا) باعث ایجاد بازدارندگی مؤثر در برابر تهدیدات منطقه‌ای می‌شود. بازدارندگی دریایی نه بر تعداد کشتی، بلکه بر «مکان، فاصله و حضور دائمی» استوار است. نیروی دریایی استراتژیک ایران تلاش می‌کند تا منطقه دریایی مأموریت خود را به دریاهای آزاد کشانده و به‌خصوص در «مثلث دریایی استراتژیک»^۴ یا مثلث دریایی طلایی که از باب‌المندب به سمت تنگه هرمز و از طریق اقیانوس هند به تنگه مالاکا امتداد می‌یابد و پیرامون مدار ۱۰ درجه و نزدیکی جزیره دیه‌گوگارسیا^۵، حضور مداوم و تأثیرگذاری داشته باشد. تمام شناورهای دریایی که از خلیج فارس عازم کانال سوئز شده و وارد دریای مدیترانه می‌شوند و آن دسته از کشتی‌هایی که به سمت شرق آسیا حرکت می‌کنند، همه از این مثلث عبور می‌کنند. با افزایش حضور در این مثلث، نداجا می‌تواند به‌طور کامل بر انتقال انرژی جهان نظارت داشته باشد و درعین حال از منافع ایران حفاظت نماید. در همین حین، در زمان مواجهه با دشمنان و رقبا، از قدرت بازدارندگی بیشتری در

1. access-denialstrategy

2. outside in

3. Eisenstadt & paz

4. Strategic Maritime Triangle

5. Diego Garcia

این منطقه برخوردار خواهد بود (امیری، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۰). لذا از این طریق ایران می‌تواند یک توازن استراتژیک ایجاد نماید.

ج) ورود به رقابت ژئوپلیتیک اقیانوسی

همان‌گونه که در مطالب بالا قابل مشاهده است، مکران ایران را از بازیگر خلیج فارسی به بازیگری مؤثر در اقیانوس هند تبدیل می‌کند. این تحول، امکان مشارکت ایران در ترتیبات امنیتی شرق آسیا، شبه‌جزیره عربستان، جنوب آسیا و شرق آفریقا را فراهم می‌سازد و با گسترش عمق نفوذ در خطوط تجارت دریایی، جایگاه ایران را در معادلات امنیتی آسیا-اقیانوسیه ارتقا می‌بخشد.

در سال‌های اخیر، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران اولین گام‌ها را برای تبدیل شدن به یک نیروی دریایی کوچک با قابلیت عملیات «خارج از منطقه» برداشته است، مانند: (۱) برافراشتن پرچم در دور از سواحل ایران؛ (۲) ایجاد یک خط مقدم دفاعی دریایی و پایگاه‌های عملیاتی بسیار فراتر از تنگه هرمز؛ (۳) گشت‌زنی در خطوط ارتباطی دریایی ایران؛ و (۴) فراهم کردن یک لایه اضافی از اتصال در یک شبکه جهانی نوظهور و پراکنده‌ای از «شرکا» و «مکان‌های» استراتژیک (یعنی مناطق عملیاتی) که ایران را قادر به اعمال نفوذ و قدرت می‌کند (آیزنشتات و پاز، ۲۰۱۴).

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در راستای نمایش قدرت نظامی با حوزه عملکرد اقیانوسی، با برنامه‌ریزی در سال ۱۳۹۹، ناوگان رزمی ایران در اقیانوس هند، دریای سرخ و خلیج عدن حضور یافت. اما نیروی دریایی ارتش ایران به این مهم بسنده نکرد و با برنامه‌ریزی‌های دقیق حضور خود را در آب‌ها و اقیانوس‌های مهم جهان گسترش داده و برای اولین بار به اقیانوس آرام وارد شد. ناوگروه مأموریت اقتدار ۳۶۰ نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با شعار صلح و دوستی برای همه ملت‌های جهان سفر خود را در سال ۱۴۰۱ آغاز کرد تا اولین حضور خود را در حیاط خلوت قدرت‌های برتر جهان به ثبت برساند. این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت بسیاری دارد که اقیانوس آرام و منطقه اقیانوس اطلس شمالی از گذشته‌ها، حیاط خلوت کشورهای آمریکا،

انگلیس و فرانسه بوده است و در آن محدوده و پهنه آبی کشورهای دیگر یا نخواسته‌اند و یا اینکه توان حضور در این ابعاد و وسعت را در خود ندیده‌اند (زرقانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۱۵).

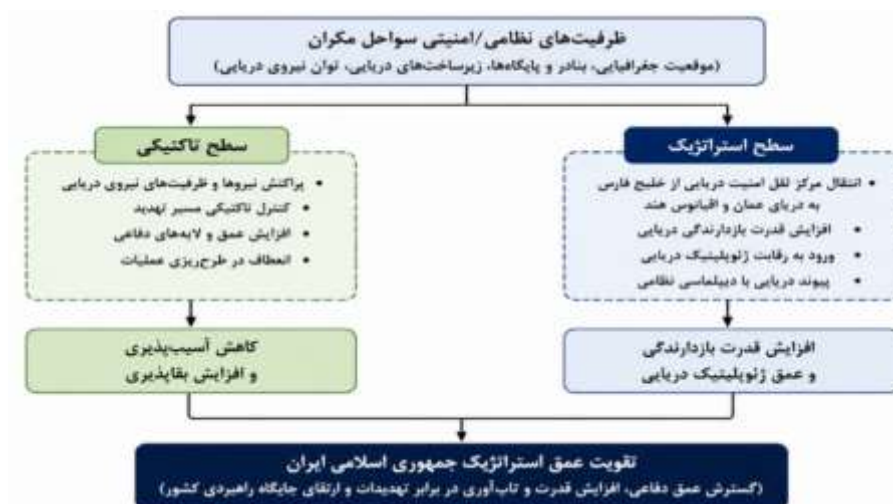
د) پیوند امنیت دریایی با دیپلماسی نظامی

توسعه دیپلماسی دریایی و ارتقاء جایگاه بین‌المللی، از اولویت‌های نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران بوده است. این نهاد راهبردی با حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی و گسترش تعاملات با کشورهای منطقه، نه تنها به دنبال افزایش همکاری‌های فراملی است، بلکه معرفی عملی توانمندی‌های بومی و دستاوردهای علمی کشور در پهنه دریاها را به عنوان هدفی کلیدی دنبال می‌کند. عضویت در اجلاس آیونز از سال ۱۳۸۸ نقطه عطف این رویکرد بوده و اعزام ۱۰۳ ناگروه به آب‌های بین‌المللی، از جمله مأموریت تاریخی ناگروه ۸۶ در گردش ۳۶۰ درجه به دور کره زمین، گواهی بر عزم راسخ این نیرو در تحقق عمق استراتژیک در عرصه دریاهاست.

در سال‌های اخیر، ایران عناصری از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را برای «نشان دادن پرچم» و مشارکت در دیپلماسی دریایی از طریق مجموعه‌ای از سفرهای بندری به خارج از کشور، برای تقویت قدرت نرم خود و نشان دادن ظرفیت خود برای عملیات «خارج از منطقه» از تنگه باب‌المندب در غرب تا تنگه هرمز در شمال و تنگه مالاکا در شرق، اعزام کرده است (آی‌نشتات و پاز، ۲۰۱۴). بنابراین، کشتی‌های نیروی دریایی ایران (در برخی موارد، در چندین نوبت) در خلیج فارس (قطر و عمان)، اقیانوس هند (پاکستان، هند و سریلانکا)، شاخ آفریقا و دریای سرخ (سودان، جیبوتی و عربستان سعودی)، شرق مدیترانه (سوریه)، روسیه - توسط عناصری از ناوگان دریای خزر ایران - و چین، پهلوی گرفته‌اند. این دیدارها از تلاش‌های ایران برای به تصویر کشیدن خود به عنوان یک قدرت در حال ظهور و بازیگر نوظهور در صحنه جهانی پشتیبانی می‌کند (آی‌نشتات و پاز، ۲۰۱۴).

در سال ۲۰۲۱، ناوچه سهند و پایگاه مکران از سن‌پترزبورگ بازدید کردند. در سال‌های ۲۰۲۲ - ۲۰۲۳، پایگاه شناور مکران و ناوچه دنا اولین سفر دریایی به دور دنیا در تاریخ نیروی دریایی ایران

را با طی مسافت ۳۵۱۰۰ مایل دریایی در ۲۳۶ روز به پایان رساندند که مورد تقدیر رهبر ایران قرار گرفت (ایزوستیا، ۲۰۲۵). در این راستا عبور مقتدرانه ناوگروه ۸۶ پیام‌آور صلح کشور ایران با کشورهای عرصه بین‌الملل و همچنین اقدامی در جهت خنثی‌سازی و اثبات بی‌اثر بودن تحریم‌های ایالات متحده آمریکا بوده که می‌تواند زمینه کاهش تحریم‌ها و انجام توافقات بیشتر را فراهم آورد (زرقانی و همکاران، ۱۴۰۴، ص. ۲۱).



شکل ۳. مدل تحلیلی نقش بعد نظامی/امنیتی ناحیه ساحلی مکران در تقویت عمق استراتژیک ایران

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۵)

به‌طور خلاصه، توسعه نظامی سواحل مکران صرفاً یک تغییر جغرافیایی نیست، بلکه انتقال فلسفه دفاع دریایی ایران از «بازدارندگی نزدیک» به «بازدارندگی دور» است که محیط تهدید را از خلیج فارس به اقیانوس هند منتقل می‌کند. این جابه‌جایی راهبردی با کاهش تماس مستقیم با تنش‌های

غرب آسیا، افزایش عمق عملیاتی، ارتقای بازدارندگی و افزایش گزینه‌های مانور نظامی و ژئوپلیتیکی همراه بوده و جایگاه ایران را در محیطی کم‌تنش‌تر و با ارزش راهبردی بالاتر تثبیت کرده است. از دیدگاه بالاترین مقام سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، ملاحظات امنیتی و نظامی، انگیزه ایران برای گسترش عمق استراتژیک خود است. براین اساس، عمق استراتژیک وضعیتی است که توانایی ایران در هدف‌گذاری منافع دشمن در مناطق دور از مرزها، طرف مقابل را از تعرض به منافع ایران باز می‌دارد. بنابراین، در استراتژی دفاع رو به جلو، بازدارندگی زیربنای «دفاع» است و عمق استراتژیک زیربنای جنبه «رو به جلو» است (عزیزی، ۲۰۲۱: ۸). درهمین راستا، استقرار نیروی دریایی در پایگاه‌های کنارک، جاسک و چابهار، امکان فاصله‌گذاری نیروهای ایرانی از کانون‌های سستی تنش در خاورمیانه - به‌ویژه خلیج فارس، تنگه هرمز و مرزهای غربی - را فراهم کرده است.

۶. تجزیه و تحلیل

سواحل مکران به دلیل موقعیت جغرافیایی و راهبردی خود، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های به‌هم‌پیوسته را در اختیار ایران قرار می‌دهد که در سه حوزه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی - امنیتی قابل تحلیل است. اهمیت این منطقه در قابلیت تبدیل این ظرفیت‌ها به منابع قدرت و اثرگذاری متقابل آن‌ها بر قدرت ملی نهفته است. براین اساس، یافته‌های پژوهش در سه مسیر اصلی تحلیل می‌شوند که در سطح راهبردی، از طریق هم‌افزایی، به تقویت عمق استراتژیک ایران منجر می‌شوند. نخستین مسیر اثرگذاری مکران بر قدرت ملی، از ظرفیت ژئوپلیتیکی این منطقه ناشی می‌شود که در دو مؤلفه اصلی قابل تبیین است: دسترسی استراتژیک به آب‌های آزاد بین‌المللی و ارتقای موقعیت ژئوپلیتیکی و قدرت مانور منطقه‌ای. قرارگیری مکران در مجاورت دریای عمان و اتصال مستقیم به اقیانوس هند، وابستگی ارتباطات دریایی کشور به یک آبراه محدود را کاهش داده و امکان گسترش دامنه حضور و تعامل ایران در محیط پیرامونی اقیانوس هند را فراهم می‌سازد. همچنین، موقعیت مکران در مجاورت شبه‌قاره هند، دریای عمان و مسیرهای مهم دریایی و ترانزیتی، ظرفیت ارتقای

موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و افزایش قدرت مانور منطقه‌ای آن را فراهم می‌کند. برآیند این ظرفیت‌ها، تقویت وزن ژئوپلیتیکی ایران و زمینه‌سازی برای گذار از یک بازیگر متکی بر خلیج فارس به بازیگری مؤثرتر در پهنه اقیانوس هند است.

دومین مسیر اثرگذاری مکران بر قدرت ملی، از ظرفیت ژئواکونومیکی این منطقه در سه محور ناشی می‌شود: توسعه زیرساخت‌های بندری، لجستیکی و کریدوری؛ توسعه اقتصاد دریامحور و زنجیره‌های ارزش وابسته؛ و تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های انرژی. توسعه بندر چابهار و زیرساخت‌های لجستیکی، نقش ایران در شبکه‌های اقتصادی و تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت می‌کند. توسعه اقتصاد دریامحور نیز از طریق گسترش فعالیت‌های مرتبط با دریا، زمینه اشتغال، افزایش درآمد و پیوندهای اقتصادی منطقه‌ای را فراهم می‌کند. تنوع‌بخشی به زیرساخت‌های انرژی در جاسک نیز وابستگی به تنگه هرمز را کاهش داده و تاب‌آوری اقتصادی و انرژی کشور را ارتقا می‌دهد. هم‌افزایی این سه محور، مکران را به بستری ژئواکونومیک برای پیوند تجارت، ترانزیت، اقتصاد دریامحور و انرژی تبدیل می‌کند.

سومین مسیر اثرگذاری مکران بر قدرت ملی، به ظرفیت‌های نظامی-امنیتی این منطقه در دو سطح تاکتیکی و استراتژیک مربوط است. در سطح تاکتیکی، استقرار و پراکنش بخشی از ظرفیت‌های نیروی دریایی در سواحل مکران، از طریق کاهش تمرکز نیروها، کاهش آسیب‌پذیری، افزایش عمق دفاعی و ایجاد انعطاف در طرح‌ریزی عملیات، ظرفیت بقاپذیری و واکنش دفاعی ایران را افزایش می‌دهد. در سطح استراتژیک، گسترش حضور دریایی از خلیج فارس به دریای عمان و اقیانوس هند، امکان انتقال مرکز ثقل امنیت دریایی به محیط گسترده‌تر، افزایش عمق دفاعی و تقویت بازدارندگی دریایی را فراهم می‌کند. برآیند این دو سطح، تقویت امنیت ملی و افزایش توان کشور برای مدیریت تهدیدات و حفظ قدرت مانور در محیط منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است.

به‌طور کلی همان‌گونه که مدل تحلیلی (شکل ۴) نشان می‌دهد ظرفیت‌های سواحل مکران از طریق سه مسیر مکمل و به‌هم‌پیوسته بر قدرت ملی ایران اثر می‌گذارند. برآیند تحلیل سه مسیر نشان

می‌دهد که ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی-امنیتی مکران، در سطح راهبردی از یکدیگر منفک نیستند. تقویت وزن ژئوپلیتیکی، جایگاه ژئواکونومیکی و امنیت ملی، از طریق ایجاد پیوندهای متقابل میان قدرت فضایی، اقتصادی و امنیتی، ظرفیت مرکبی برای افزایش قدرت مانور راهبردی ایران ایجاد می‌کند. رابطه این سه مسیر را نمی‌توان جمع جبری سه ظرفیت مستقل دانست، بلکه هم‌افزایی آن‌ها موجب تقویت قدرت ملی و درنهایت تقویت عمق استراتژیک ایران می‌شود. بنابراین، مکران زمانی می‌تواند به منبعی مؤثر برای تولید عمق استراتژیک تبدیل شود که توسعه آن در چارچوب راهبردی یکپارچه و هماهنگ دنبال شود؛ راهبردی که در آن تقویت وزن ژئوپلیتیکی، ارتقای جایگاه ژئواکونومیکی و تحکیم امنیت ملی به‌عنوان سه مسیر مکمل و به‌هم‌پیوسته، در خدمت افزایش قدرت مانور و عمق استراتژیک ایران قرار گیرند.



شکل ۴. مکانیسم تأثیرپذیری عمق استراتژیک ناحیه مکران

مأخذ: (یافته‌های تحقیق، ۱۴۰۴)

۷. نتیجه‌گیری

بررسی انجام شده در این پژوهش نشان داد که سواحل مکران را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان یک پهنه جغرافیایی دارای ظرفیت‌های متنوع اقتصادی، سیاسی و نظامی تلقی کرد؛ بلکه اهمیت راهبردی این منطقه در توانایی آن برای بازآرایی برخی از مؤلفه‌های قدرت ملی و در نتیجه، اثرگذاری بر عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران نهفته است. براساس یافته‌های پژوهش، این اثرگذاری از طریق یک رابطه خطی و مستقیم شکل نمی‌گیرد، بلکه حاصل هم‌افزایی سه ظرفیت ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیک و نظامی-امنیتی است که هر یک پیامد متفاوتی در ساختار قدرت ملی ایجاد می‌کنند. ازاین‌منظر، ظرفیت ژئوپلیتیکی مکران با فراهم کردن دسترسی استراتژیک به آب‌های آزاد بین‌المللی و ارتقای موقعیت و قدرت مانور منطقه‌ای ایران، به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور منجر می‌شود؛ ظرفیت ژئواکونومیک آن از طریق توسعه زیرساخت‌های بندری، کریدوری و انرژی و گسترش اقتصاد دریامحور، جایگاه ژئواکونومیک و تاب‌آوری اقتصادی ایران را ارتقا می‌دهد و ظرفیت نظامی-امنیتی آن با افزایش عمق دفاعی، کاهش آسیب‌پذیری و تقویت بازدارندگی، امنیت ملی کشور را تحکیم می‌کند. بنابراین، آنچه مکران را از سایر پهنه‌های راهبردی کشور متمایز می‌سازد، نه وجود یک ظرفیت منفرد، بلکه قرارگیری هم‌زمان این سه ظرفیت در یک فضای جغرافیایی و امکان تبدیل آن‌ها به منابع مکمل قدرت ملی است.

براین‌اساس، می‌توان نتیجه گرفت که عمق استراتژیک ایران صرفاً با فاصله جغرافیایی از کانون‌های تهدید یا گسترش حضور نظامی در خارج از مرزها ایجاد نمی‌شود، بلکه از ترکیب قدرت ژئوپلیتیکی، توان ژئواکونومیک و ظرفیت امنیتی-دفاعی کشور شکل می‌گیرد. مکران ازاین‌منظر، یکی از معدود پهنه‌هایی است که امکان پیوند این سه مؤلفه قدرت را در مقیاس ملی و منطقه‌ای فراهم می‌کند. در نتیجه، ارزش راهبردی مکران بیش از آنکه در هر یک از کارکردهای منفرد آن باشد، در قابلیت تبدیل موقعیت جغرافیایی به قدرت و تبدیل قدرت به عمق استراتژیک قرار دارد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که بهره‌گیری از ظرفیت‌های مکران می‌تواند بخشی از محدودیت‌های ساختاری ایران در محیط منطقه‌ای را تعدیل و دامنه انتخاب‌های راهبردی کشور را افزایش دهد؛ با این حال، تحقق چنین ظرفیتی خودکار و قطعی نیست و به میزان تحقق زیرساخت‌های مورد نیاز، هماهنگی نهادی و استمرار سیاست‌گذاری راهبردی وابسته است. از این رو، مکران را باید نه به عنوان یک هدف مستقل، بلکه به عنوان یک بستر راهبردی برای بازتولید قدرت ملی و تقویت عمق استراتژیک ایران در نظر گرفت. بر این اساس، آینده راهبردی مکران در گرو آن است که توسعه ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و نظامی-امنیتی آن در قالب یک رویکرد یکپارچه دنبال شود؛ رویکردی که بتواند ظرفیت‌های این منطقه را از «امکان جغرافیایی» به «قدرت بالفعل» و در نهایت به «عمق استراتژیک» تبدیل کند.

کتابنامه

۱. احمدی، س.ع. و نورعلی، ح. (۱۴۰۱). ژئوپلیتیک دسترسی بنادر: سواحل راهبردی مکران به عنوان کد ژئوپلیتیکی ایران در برابر افغانستان در زمینه هیدروپلیتیک هیرمند. چهارمین همایش ملی توسعه سواحل مکران (با محوریت حکمرانی و تأکید بر دیپلماسی و اقتصاد دریامحور)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
۲. الهویردی‌زاده، ر. و قادری حاجت، م. (۱۴۰۳). الزامات ژئوپلیتیکی توانمندسازی سواحل جنوب ایران: از منظر افزایش قدرت دریایی. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۲۰ (۱)، ۲۳۹-۲۱۵.
- <https://doi.org/10.22034/igq.2024.434363.1828>
۳. امیری، ع. (۱۳۹۹). تبیین نقش نیروی دریایی در قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۶ (۱)، ۱۸۲-۱۳۸.
۴. پورصمصام، ح. (۱۴۰۱). ظرفیت‌های سواحل مکران در حوزه کشاورزی و شیلات. چهارمین همایش ملی توسعه سواحل مکران (با محوریت حکمرانی و تأکید بر دیپلماسی و اقتصاد دریامحور). تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۵. پیشگاهی فرد، ز.، رنجبردستانی؛ ک.، و کوشکی، م. (۱۳۹۸). رویکرد آینده‌پژوهانه به وضعیت ژئوپلیتیکی سواحل مکران رویکرد GBN. *جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)*، ۹ (۳۵)، ۱۴۵-۱۳۵.
۶. جعفری‌فر، ا.، و باقری‌دولت‌آبادی، ع. (۱۴۰۲). مفهوم عمق استراتژیک و روابط رژیم صهیونیستی و جمهوری آذربایجان. *مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، ۲۹ (۱۲۳)، ۳-۳۰.
۷. حافظ‌نیا، م.، علمدار، ا.، و رضایی‌سکه‌روانی، د. (۱۳۹۹). نقش توسعه سواحل مکران و راهبرد دریانگاری ایران بر توسعه محور شرق کشور. *آمایش سیاسی فضا*، ۲ (۲)، ۹۴-۸۱.
۸. خبرگزاری دفاع مقدس. (۱۴۰۱). تولید بالگردهای جدید دریایی/ همه رخدادهای سطح دریا را رصد می‌کنیم. قابل دسترسی در: <https://defapress.ir/fa/news/56954>
۹. خزایی، ع.، حجتی‌نیا، م.ح.، و امیری، ک. (۱۴۰۱). تأثیر توسعه پایدار سواحل مکران بر قدرت دریایی جمهوری اسلامی ایران. *علوم و فنون نظامی*، ۱۸ (۶۲)، ۲۴۱-۲۱۷. doi: 10.22034/qjmst.2023.542716.1617
۱۰. دانش جعفری، د.، توکلی، ر.، و صادقی، ا.ع. (۱۴۰۴). تبیین الزامات راهبردی در حکمرانی توسعه سواحل مکران. *فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی*، ۱۴ (۳)، ۴۴۸-۴۲۳. doi: 10.22034/es.2025.512724.1843
۱۱. دهقانان، م.، رومینا، ا.، حافظ‌نیا، م.ر. و قادری‌حاجت، م. (۱۴۰۴). تبیین مؤلفه‌ها و ابعاد عمق استراتژیک ایران در غرب آسیا. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۷ (۲)، ۹۸-۶۹. doi: 10.22034/fr.2025.476855.1579
۱۲. زرقانی، س.ه. (۱۴۰۱). سواحل مکران، کانون کربدورهای ملی، منطقه‌ای و جهانی. چهارمین همایش ملی توسعه سواحل مکران (با محوریت حکمرانی و تأکید بر دیپلماسی و اقتصاد دریامحور)، بازیابی شده از: http://openaccess.ir/c/makran4/paper_116590
۱۳. سرگزی، ع.، و سردار شهرکی، ع. (۱۴۰۴). بررسی موقعیت استراتژیک و اقتصادی سواحل مکران در جهت توسعه پایدار. چهارمین همایش ملی توسعه سواحل مکران (با محوریت حکمرانی و تأکید بر دیپلماسی و اقتصاد دریامحور). تهران، دانشگاه امام صادق (ع).

۱۴. سرگلزایی، ج.، پویا، م.، و تاجری، م. (۱۴۰۴). توسعه اقتصادی- اجتماعی سواحل مکران با تأکید بر چالش‌های امنیتی و دفاعی. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۱۵ (۵۸)، ۴۳۴-۴۱۸.
۱۵. قنبری، س.، امینی، ع. ا.، و کهرازه، ی. (۱۴۰۴). مکران، گنج پنهان ژئوپلیتیک ایران: راهبردی نوین برای توسعه و حضور مؤثر در نظام بین‌الملل. *فصلنامه آینده‌پژوهی شهری*، ۵ (۱)، ۴۱-۲۷.
۱۶. لکزی، م.، و اطهری، ا. (۱۴۰۱). نقش سواحل مکران در پیشبرد قدرت منطقه‌ای ایران. *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران*، ۶ (۱)، ۱۹۰-۱۶۳.
۱۷. متقی‌دستنایی، اف.، یوسفی‌شاتوری، م.، و ضرغامی، ا. (۱۴۰۳). تحلیلی بر ژئوپلیتیک حمل‌ونقل دریایی و نقش آن در توسعه اقتصاد سیاسی ایران (مطالعه موردی: سواحل مکران). *مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی*، ۵ (۴)، ۹۷-۱۱۸. doi:10.22124/gscsj.2024.27383.1300
۱۸. ویسی، ه. (۱۴۰۲). توسعه منطقه مکران در گرو اتخاذ راهبرد دریایی و آمایش سرزمین. *جغرافیا (نشریه انجمن جغرافیایی ایران)*، ۲۱ (۷۷)، ۵۴-۳۱.
۱۹. ویسی، ه. (۱۴۰۴). تبیین ضرورت راهبرد ژئواکونومیک در توسعه سواحل مکران. *جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای*، ۲۳ (۱)، ۴۷-۲۷. doi: 10.22067/jgrd.2024.81544.1258

20. Awan, G. F., Abdullah, W., & Shahab, K. (2025). Iran's naval strategy in the Strait of Hormuz: Implications for global maritime security. *Social Science Review Archives*, 3(3), 525- 535. <https://doi.org/10.70670/sra.v3i3.886>
21. Azizi, H. (2021). The concept of “forward defence”: How has the Syrian crisis shaped the evolution of Iran’s military strategy? *Syria Transition Challenges Project, Research Project Report No. 4*. Geneva Centre for Security Policy (GCSP).
22. Bagheri Dolatabadi, A., & Kamrava, M. (2022). Iran’s changing naval strategy in the Persian Gulf: Motives and features. *British Journal of Middle Eastern Studies*, 51(1), 131–148. <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2105815>
23. Binnie, J. (2022). iranian navy shows off UAV capabilities, *JANES*. <https://www.janes.com/osint-insights/defence-news/sea/iranian-navy-shows-off-uav-capabilities>
24. Chauhdry, K. T., Aqib, S., & Wassan, I. A. (2025). Geopolitics of the Indo-Pacific: Strategic Competition, Alliances, and Regional Security. *Research Journal for Social Affairs*, 3(5), 503- 520. <https://doi.org/10.71317/RJSA.003.05.0345>

25. Connell, M. (2010). Iran's military doctrine. *The Iran Primer, United States Institute of Peace*. Retrieved December 10, 2025, from <https://iranprimer.usip.org/resource/irans-military-doctrine>
26. Dadparvar, S., & Kaleji, V. (2025). The Chabahar Transit Project: Transition from Geo-Politics to Geo-Economics. *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 27(3), 283–308. <https://doi.org/10.1080/19448953.2024.2379670>
27. Eisenstadt, M., & Paz, A. (2014). Iran's evolving maritime presence. *The Washington Institute for Near East Policy*. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-evolving-maritime-presence>
28. Entin, M., & Entina, E. (2026). The imperatives of China and Russia acquiring strategic depth to ensure military, transport, energy, and food security. *SSRN electronic journal*. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.6509601>
29. Ghanbari, S. (2023). Iran's blue economy: Maritime policy in global diplomacy. *International Journal of Maritime Policy*, 3(12), 21–56. <https://doi.org/10.22034/irlsmp.2022.140726>
30. Gharedaghi, A. A. (2018). Iran's strategic depth in post-ISIS Syria. *Journal of International Relations and Foreign Policy*, 6(2), 22–32.
31. Gurjar, S. (2023). The Port of Berbera and Geopolitics of the Western Indian Ocean. *International Studies*, 60(3), 313–327. <https://doi.org/10.1177/00208817231202305>
32. Haghshenass, F. (2008). Iran's asymmetric naval warfare. *Policy focus No. 87. The Washington Institute for Near East Policy*. <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/irans-asymmetric-naval-warfar>
33. *Izvestia*. (2025). The principles of Persia: What Russia can learn from the experience of the Iranian Navy. *Izvestia*. Retrieved December 10, 2025, from https://iz.ru/en/node/1850327?utm_source=chatgpt.com
34. Jafari, K., Tajfar, R., & Bijani, A. (2024). Explanation and analysis of the strategic pattern and consequences of the presence of Iran's strategic navy in the coasts of Makran and high seas. *International Journal of Maritime Policy*, 4(13), 103–143. <https://doi.org/10.22034/irlsmp.2024.316664.1106>
35. Khan, A. M. (2025). Blue economy – Prospects & challenges for Pakistan. *Journal of Nautical Eye and Strategic Studies*, 5(1), 15–27. <https://doi.org/10.58932/MULG0052>
36. Koberidze, G. (2023). Defense in depth: The key to Ukraine's military defense strategy during the battle of Kyiv. *Journal of Politics and Democratization*, 5(4), 9–17.

37. Kumar S, S. (2021). Applicability of UNCLOS for Landlocked states: The case of Chabahar port and Afghanistan. Maritime Affairs. *Journal of the National Maritime Foundation of India*, 17(1), 58–72. <https://doi.org/10.1080/09733159.2021.1939869>
38. Li, L. (2023). Building Up a Sustainable Path to Maritime Security: An Analytical Framework and Its Policy Applications. *Sustainability*, 15(8), 6757. <https://doi.org/10.3390/su15086757>
39. Rashid, Y. (2021). The strategic importance of Jask port (*IRAM Publication No. 5*). *IRAM - Center for Iranian Studies in Ankara*. https://www.iramcenter.org/uploads/files/The_Strategic_Importance_of_Jask_Port-WebPDF_v21.pdf
40. Sarmast, B. (2025). The geopolitics of Tis on regional and sub-regional trade in the southeast of Iran. *Journal of Sistan and Baluchistan Studies*, 5(2), 1–9. 10.22034/jsbs.2025.524292.1088
41. Schadlow, N. (2025). The importance of strategic depth. *Engelsberg Ideas*. <https://engelsbergideas.com/notebook/the-importance-of-strategic-depth/>
42. Sick, A. (2017). The cornerstone of America's continued military preeminence is our ability to project combat power rapidly and virtually unimpeded to widespread areas of the globe., accessible: https://othjournal.com/2017/07/27/dispersed-basing-1/?utm_source=chatgpt.com
43. Veisi, H. (2026). The role of geo-economic strategy and maritime policy in promoting Iran's power and development: With an emphasis on regional corridors. *Iranian Geopolitics Quarterly*. Advance online publication. <https://doi.org/10.22034/igq.2026.550281.2098>
44. Wasser, B., Stein, A. (2020). small, distributed and secure: a new basing architecture for the middle east, accessible at: <https://warontherocks.com/2020/12/small-distributed-and-secure-a-new-basing-architecture-for-the-middle-east/>
45. World Bank. (2021). *Riding the blue wave: Applying the Blue Economy approach to World Bank operations* (pp. 1-27). World Bank Group. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/099655003182224941/pdf/P16729802d9ba60170940500fc7f7d02655.pdf>
46. Yenigun, M. C. (2002). Strategic depth (Stratejik Derinlik), *The Review of International Affairs*, 2(2), 121 -126.